

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسل

از دیدگاه اهل تسنن (غیر وہابی ها)

دوره یازدهم، شماره، ششم

نام جزوه: توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابی‌ها)

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- توسل به انسان‌های پاک و والا..... ۵
- اشکالات و پاسخ‌ها..... ۲۵
- اشکال نخست: چنین توسلی در میان صحابه نبوده
است!..... ۲۵
- اشکال دوم: مخلوق، حقی بر عهده خدا ندارد!..... ۲۶
- اشکال سوم: این نوع توسل، متضمّن خواندن غیر
خدا است..... ۲۸
- اشکال چهارم: توسل، استعانت از غیر خداست..... ۳۲
۱. روایات توسل متواتر..... ۳۵
۲. کتابهای پیرامون توسل..... ۳۶
۳. اختلاف میان پیروان ابن تیمیه و ۴۰

توسّل به انسان‌های پاک و والا

در بخش قبل، موضوع سخن، توسّل به دعای انسان‌های پاک و والا بود و فرد حاجتمند از آنها درخواست می‌کرد که درباره وی دعا کنند و در حقیقت دعای آنان وسیله تقرّب او به شمار می‌رفت.

ولی در اینجا موضوع سخن توسّل به خود ذوات مقدّسه معصومین (علیهم‌السلام)، یا قُرب و منزلت و مقام آنان در پیشگاه الهی است و فرد نیازمند بدون اینکه از آنان درخواست دعا کند، قُرب معنوی و حُرمت آنان را، بین خود و خدا واسطه قرار داده و از خدا می‌خواهد به حرمت این انسان‌های پاک و ارج‌وقرب آنان در نزد او و محبوبیتی که در

۶ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیروهایها)

پیشگاه الهی دارند، نیاز او را برطرف نماید؛ و این نوع توسل‌ها با تعبیرهای گوناگون صورت می‌پذیرد: خدایا به عزیزان درگاهت، به حق پیامبر و آل پاکش و...

در این‌گونه تعبیر و امثال آن، مایه قرب و وسیله کارساز، شخص انسان والا و صفات برجسته او است.

این نوع توسل، میان مسلمانان رواج و گسترش بسیاری دارد و افزون بر این، میان مسلمانان، روایت صحیحی به نام «حدیث ضریر» در جواز آن وارد شده که مخالفین توسل به صحت و استواری آن اعتراف دارند.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۷

از آنجا که شیوه استدلال، درگرو نقل حدیث با ذکر تمام خصوصیات آن است، ما متن آن را نقل و ترجمه می‌کنیم:

عثمان بن حنیف می‌گوید: انّ رجلاً ضریراً أتى النبي، فقال: أَدْعُ اللهَ أَنْ يُعَافِيَنِي؟

فقال (صلى الله عليه وآله): إن شئتَ دعوتُ وإن شئتَ صبرتَ و هو خير؟

قال: فادعُه، فأمره (صلى الله عليه وآله) أن يتوضأ فيحسنَ وضوءَه و يصلِّي ركعتين و يدعُو بهذا الدعاء: (اللهمَّ إني أسألك و أتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة، يا محمد إنِّي أتوجه بك إلى ربِّي في حاجتي لتقضى، اللهمَّ شفِّعه فيّ).

۸ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

فقال ابن حنیف: «فوالله ما تفرَّقنا و طال بنا
الحديث حتى دخل علينا كأن لم يكن به ضرر»^۱

عثمان بن حنیف می گوید: نابینایی خدمت
پیامبر آمد و گفت: دعا کن خدا مرا شفا دهد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر بخواهی
دعا می کنم و اگر می خواهی صبر کن که آن بهتر
است.

فرد نابینا گفت: دعا کن.

پیامبر به وی فرمود: وضوی نیکویی بگیرد و دو
رکعت نماز بگزارد و پس از آن چنین دعا کند.
پروردگارا، من از تو مسألت می کنم و با واسطه قرار

۱. سنن ترمذی، ص ۵، کتاب دعوات، باب ۱۱۹، شماره ۳۵۷۸؛

سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱، شماره ۱۳۸۵؛ مسند احمد، ج

۴، ص ۱۳۸.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۹

دادن پیامبرت «محمد» که پیامبر رحمت است به سوی
تو روی می آورم.

ای محمد، من به وسیله تو به پروردگام رو
آورده‌ام تا حاجتم برآورده شود.

پروردگارا، شفاعت او را در حق من بپذیر.

ابن حنیف می گوید: از محضر رسول خدا
پراکنده نشده بودیم و زمان زیادی از واقعه نگذشته
بود که فرد نابینا بر ما وارد شد، چنانکه توگویی اصلاً
نابینا نبوده است.

استدلال به این حدیث، درگرو صحّت سند و
قوّت دلالت آن است.

از نظر سند: ترمذی، مؤلف سنن، حدیث فوق
را، «حدیثی حسن و صحیح» شمرده و ابن ماجه، ناقل

۱۰ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

دیگر حدیث، به صحت آن تصریح دارد. گذشته از این دو، خود ابن تیمیه نیز به صحت سند آن اعتراف کرده است.^۱

رفاعی، یکی از نویسندگان وهابی معاصر، می‌گوید: شکی نیست که این حدیث صحیح و مشهور است.^۲

بنابراین در اعتبار حدیث از حیث سند جای هیچ گفتگویی وجود ندارد. ببینیم دلالت آن بر جواز توسل چگونه است؟

از نظر دلالت برای روشن شدن دلالت حدیث باید دو نکته را به خاطر سپرد:

۱. مجموعه رسائل و مسائل، ج ۱، ص ۱۳.

۲. التوصل إلى حقيقة التوسل، ص ۱۵۸.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۱۱

۱. درخواست نابینا از پیامبر چه بود؟

۲. پیامبر، برای برآورده شدن حاجت نابینا، چه

نوع توسّلی را به او آموزش داد؟

شکّی نیست که مرد نابینا از پیامبر درخواست

دعا کرد، یعنی برای شفای از کوری، به دعای پیامبر

متوسّل شد.

پیامبر در اجابت درخواست مرد نابینا به او

آموزش داد که به شخص و شخصیت پیامبر متوسّل

شود و وی را واسطه میان خود و پروردگار قرار دهد

تا خدا درخواست او را برآورد.

گواه بر این مطلب که در آموزش پیامبر توسّل

به شخص مطرح است، جمله‌هایی است که در خود

حدیث وارد شده و ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم:

۱۲ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

۱. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ وَ اَتُوْجِّهْ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ.

لفظ نَبِيَّكَ متعلق به دو فعل پیش از آن اسأَلُكَ

و اَتُوْجِّهْ اِلَيْكَ است:

الف: اَسْأَلُكَ بِنَبِيِّكَ.

ب: اَتُوْجِّهْ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ.

به راستی چه جمله‌ای روشن تر از این که سائل -

با واسطه قرار دادن حرمت و آبروی پیامبر (صلی الله

علیه وآله) - از خدا چیزی را طلب می کند؟ پیداست

او به شخص پیامبر متوسل شده و از خدا به پاس

حرمت او، درخواست حاجت کرده است.

۲. مُحَمَّدٌ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۱۳

این جمله نیز به روشنی گواه است که فرد سائل، شخص پیامبر را که مظهر رحمت است در پیشگاه الهی واسطه قرار داده است.

۳. یا محمد اِنِّی اَتوجه بک اِلِی رَبِّی.

لفظ بک در جمله یادشده حاکی است که واسطه شخص پیامبر است.

بنابراین، در دعایی که پیامبر به شخص نابینا آموزش داد کراً شخص رسول خدا و مقام و منزلت و رحمة للعالمین بودن او مایه توسّل بوده است.

جمله و شفّعه فیّ یک احتمال بیش ندارد و آن این که شفاعت او را در حق من بپذیر.

گاهی تصوّر می‌شود که مفاد آن این است که دعای او را در حقّ من بپذیر، ولی این برخلاف ظاهر

۱۴ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

روایت است. زیرا پیامبر هرگز دعایی در حق نابینا انجام نداد و از خدا درباره او چیزی نخواست تا دعای او را در حَقِّش بپذیرد. بلکه پیامبر به خود نابینا دستور دعا داد و اگر خود پیامبر افزون بر دعای نابینا دعا کرده بود، عثمان بن حنیف، این صحابی بزرگ، آن را نقل می‌کرد.

بر فرض هم که خود پیامبر، فزون بر دعایی که به نابینا تعلیم داد، دعا کرده باشد، باز ضرر به استدلال ما نمی‌زند. زیرا محور استدلال، دعای پیامبر نیست، بلکه دعایی است که پیامبر به نابینا آموخت و در آن دعا می‌بینیم که دعاکننده به شخص پیامبر و مقام و موقع او توسل جسته است.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۱۵

چنانچه این حدیث را به دست هر زبان‌دان بی‌طرف و منصفی بدهیم، از آن چیزی جز توسّل به مقام پیامبر و شخصیت آن حضرت، نمی‌فهمد. ابن تیمیّه و پیروان مکتب او، وقتی در مقابل چنین حدیث صحیح و روشنی قرار می‌گیرند، مذبح‌خانه می‌کوشند در دلالت حدیث، خدشه کنند و بدین منظور، در جمله‌های متعدد حدیث، که صریح در توسّل به شخص پیامبر است، لفظ «دعا» را در تقدیر می‌گیرند و مدّعی می‌شوند که مقصود از بنییک در عبارت أتوجه إليك بنییک، بدعاء بنییک است! ناگفته پیدا است این نوع تأویل، منشأی جز پیش‌داوری ندارد و این‌گونه تقدیر گرفتن‌ها با جمله‌های مزبور سازگار نیست.

۱۶ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

اگر به راستی مرد نابینا به دعای پیامبر متوسّل شده، پس چرا پیامبر به او فرمود بگو محمد نبی الرحمة و نیز فرمود:

یا محمد انّی أتوجّه بک الی ربّی.

گذشته از این، تقدیر کلمه دعا، جمله را

ناموزون می سازد.

لذا آلوسی بغدادی (متوفای ۱۲۷۰) که، از

مروجین مکتب وهابیت است، در این مورد، تسلیم

حق شده و اعتراف کرده است که توسّل به مقام افراد

صالح اعم از پیامبر مانعی ندارد به شرط این که بدانیم

فرد در نزد خدا دارای مقامی است.^۱

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۱۷

ضمناً جالب است بدانیم که جریان مزبور، یکبار دیگر در عصر عثمان تکرار شد و مشکل مرد حاجتمندی با توسّل به این دعا حل گشت. با این تفاوت که در رویداد اوّل، پیامبر معلّم آن نابینا بود، ولی در رویداد دوّم صحابی بزرگ عثمان بن حنیف. تفصیل ماجرا را از معجم کبیر طبرانی نقل می‌کنیم:

مردی در زمان حکومت عثمان چند بار برای انجام کارش نزد عثمان رفت، ولی موفق نشد. روزی عثمان بن حنیف را دید و جریان را با او در میان نهاد. وی گفت: برو وضو بگیر، دو رکعت نماز بگذار و بگو:

۱۸ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتُوِّجِّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا»؛^۱ محمّد
نبی الرحمة، یا محمّد انّی أتوجّه بک إلی ربّک
لتقضى حاجتی؛

پروردگارا، به وسیله پیامبرمان «محمد» پیامبر
رحمت از تو مسألت می‌کنم و به سوی تو روی
می‌آورم. ای محمد من به وسیله تو رو به خدای تو
آوردم تا حاجتم برآورده شود.

فرد مزبور این کار را انجام داد، سپس نزد
خلیفه رفت و حاجت او برآورده شد. آنگاه باعثمان
بن حنیف ملاقات کرد و سند دعا را از وی جویا شد.
عثمان گفت: با گروهی در حضور پیامبر بودیم که

۱. طبق نقل ترمذی: «بنبیک».

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۱۹

مردی نابینا آمد و از حضرت درخواست دعا کرد. پیامبر به او همین کار را که من به تو گفتم تعلیم داد.^۱ توسل به مقامات پیامبران و حقوق آنان که خود خدا به ما معرفی کرده است در ادبیات ایران اسلامی، رواجی تام دارد. ذیلاً به برخی از توسلات شاعران بزرگ این زبان اشاره می‌کنیم:

سنایی که از شعرای قرن پنجم هجری است در یک رباعی چنین توسل می‌جوید:

کردگارا به جان پاک رسول
به علی و حسین و سبط بتول

۱. معجم طبرانی، ج ۹، صص ۳۱ - ۳۰، شماره ۸۳۱۱، چون تفصیل جریان را از زبان خود عثمان بن حنیف در روایت نخستین، نقل کردیم، در این مورد، به اختصار برگزار نمودیم.

۲۰ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

که دل ما زغیر خود بستان

از هوایِ هوایِ خود برهان

افصح المتکلمین سعدی (۶۰۶ - ۶۹۰)

می گوید:

خدایا به حق بنی فاطمه

که بر قول ایمان کنم خاتمه

اگر دعوتم رد کنی ور قبول

من و دست و دامان آل رسول^۱

ابوالعطاء کمال الدین معروف به خواجوی

کرمانی (۶۸۹-۷۵۳) در توسل خود به ائمه

اهل بیت (علیهم السلام) چنین می گوید:

۱. کلیات سعدی، بوستان، ص ۱۸۸.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۲۱

فرمانروای مُلْکِ «سلونی» امیر نحل^۱
دارای دادگستر اقلیم «هل اتی»
گر نام او کنم به مَثَلِ نقش بر زمین
بر خاک ره فتد شه سیاره از هوا
یا رب به حق آن چمن آرای «لَوْ کُشِفَ»
کو بود سرو خوش نظر باغ «لافتی»
یا رب به حق آن گل سیراب تشنه لب
کو را نصیب کرب و بلا شد بکربلا
یا رب به حق آن علی عالی آستان
کو بود در ممالک توحید پادشا
یا رب به حق خازن گنجینه هدی
باقر که بود مخزنِ اسرار اهتدا

۱. از القاب حضرت امیر(علیه السلام) است.

۲۲ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

یا رب به حق جعفر صادق که آفتاب

باشد چو صبح بر نفس صدق او گوا

یا رب به حق موسی کاظم که چون کلیم

بودی به طور قرب شب و روز در دعا

یا رب به حق آن علی موسوی گهر

کو را نهند خسرو معموره رضا

یا رب به حق شمع سرا پرده تقی

یعنی علی نقی صدف گوهر تُقا

یا رب به حق شکر شیرین عسکری

کو بود طوطی شکرستان اتقا

یا رب به حق مهدی هادی که چرخ را

باشد به آستانه مرفوعش التجا

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۲۳

کاین خسته را که بسته بند طبیعت است
آزاد کن ز محنت این چار اژدها^۱
خالد نقش‌بندی آنگاه که به زیارت امام
رضا (علیه السلام) مشرف می‌شود در اشعار معروف
خود، به چهارده معصوم (علیهم السلام) متوسل شده و
چنین می‌گوید:

جانا به شاه مسند «لولاک» کز شرف
بر تارکِ شهان الوالعزم افسر است
آنگه به حق آن که به اوراق روزگار
بابی ز دفتر هنرش باب خیبر است

۱. دیوان اشعار خواجهی کرمانی، صص ۵۷۱ - ۵۷۲، انتشارات
پاژنگ، تهران، ۱۳۷۴.

۲۴ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

دیگر به نور عصمت آن کس که نام او
قفل زبان و حیرت مرد هنرور است
آنکه به سوز سینه آن زهر خورده ای
کز ماتمش هنوز دو چشم جهان تر است
دیگر به خون ناحق سلطان کربلا
کز وی کنار چرخ به خونابه احمر است...
بر خالد آر رحم که پیوسته همچو بید
لرزان ز بیم زلزله روز محشر است
این سرایندگان که شعر آنان را منعکس کردیم
همگی از برادران اهل سنت می باشند، شعرای شیعی
نیز که در طول سال ها به پیامبر و آل او توسل
جسته اند، فزون از آن است

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۲۵

که حتی بتوانیم بخشی از آن را نقل کنیم.

اشکالات و پاسخ‌ها

اشکال نخست: چنین توسّلی در میان صحابه نبوده است!^۱

اگر توسّل به منزلت و شخصیت پیامبر امری جایز بود صحابه و تابعان از آن بهره می‌گرفتند.

پاسخ: از نظر قواعد علمی، فعلِ معصوم می‌تواند گواه بر «جواز» شرعی عملی باشد، ولی ترک و عدم فعل او، دلیل بر «حرمت» آن عمل نیست.

بنابراین، چنانچه (به فرض محال) بپذیریم که صحابه نیز از هر نوع خطا و اشتباه مصون بوده و

۲۶ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

عمل آنان، حکمِ عملِ معصوم را دارد، بهره نگرستن
آن‌ها از این گونه توسل، دلیل بر حرمت آن نمی‌باشد.
گذشته از این، مقیاس برای شناسایی اعمال
جایز سخنان پیامبر و پیشوایان معصوم اوست و در
روایت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و ادعیه ائمه
اهل بیت (علیهم السلام) وجود این نوع توسل، بسیار
چشمگیر و مشهود است.

اشکال دوم: مخلوق، حقی بر عهده خدا ندارد!
این نوع توسل‌ها متضمن سوگند دادن خدا به حقی
است که مخلوقی بر او دارد، در حالی که هیچ مخلوقی
حقی بر خدا ندارد.

پاسخ: حقّ مخلوق بر خداوند، به دو صورت
متصور است:

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۲۷

الف: مخلوق از طریق رفتاری بر خالق حقیقی پیدا کند بسان حق یک طلبکار بر بدهکار، یک چنین حق درباره مخلوق نسبت به خدای متعال امکان‌پذیر نیست. زیرا بنده خدا، مالک چیزی نیست تا به وسیله آن بر خدا حقیقی پیدا کند.

ب: حقیقی که خود خدا از طریق لطف و کرم برای مخلوق نسبت به خویش قائل شده و در حقیقت از طریق تفضل و لطفی که نسبت به بنده خود دارد خود را بدهکار و او را طلبکار محسوب داشته است. تصور چنین حقیقی برای بندگان خداوند، نسبت به خالق خویش امری معقول بوده و در قرآن و حدیث نیز شواهدی بر آن داریم.

۲۸ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

اشکال سوم: این نوع توسل، متضمّن خواندن غیر خدا است.

آیات بسیاری گواهی می دهند که فرد مسلمان نباید غیر خدا را بخواند یا ندا کند، چنانکه می فرماید:

فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛^۱

با خدا دیگری را مخوانید.

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلَكُمْ؛^۲

کسانی را که به جای خدا می خوانید، بندگان

هستند مانند خود شما.

از این دو آیه استفاده می شود که در مقام دعا،

فقط باید خدا را خواند؛ و توسل به شخص و

۱. سوره جن، آیه ۷۲.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۹۴.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۲۹

شخصیت و منزلت و مقام غیر، دعوت غیر خدا است و جایز نیست.

پاسخ: بی پایه ترین اشکال به توسّل، همین اشکال سوّم است که برخی به آن تمسّک می جویند و بی دلیل آیاتی را که درباره مشرکان و دعوت آنان از بتان وارد شده، بر مسلمانان و صالحان تطبیق می کنند! درحالی که آیات مزبور درصدد انتقاد از مشرکانی است که بت های خود را اله و مدبّر می دانند. نه مسلمانانی که پیامبر را بنده خدا و منادی توحید می دانند.

در آیه نخست می فرماید:

فَلَاتَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛

غیر خدا را همراه خدا مخوانید.

۳۰ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

یعنی غیر خدا را به همراه خدا می‌پرستید؛ و اگر دعوت در این آیه به معنی «پرستش» نباشد، مفهوم آیه مخالف دستور خود قرآن خواهد بود. چه، قرآن صریحاً دستور می‌دهد که مسلمانان حضور پیامبر برسند و ضمن استغفار به درگاه الهی، از پیامبر نیز بخواهند در حق آنان استغفار کند.^۱

طبیعی است با اجرای این دستور، انسان، هم خدا را می‌خواند (آنجا که شخصاً استغفار و طلب آمرزش می‌کند) و هم پیامبر را (آنجا که از پیامبر می‌خواهد در حق او طلب آمرزش کند).

تأکید می‌کنیم؛ این قبیل آیات مربوط به بت پرستان است که معتقد بودند عزّت و ذلّت و نفع

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۳۱

و ضرر آنها در دست خدایان دروغین است و نصرت و پیروزی در جنگ از آن بت‌های سنگی و چوبی و... قرار دارد. لذا، آنها را عبادت می‌کردند تا از این مزایا بهره‌مند شوند! حال آنکه، متوسلان مسلمان، هرگونه نفع و ضرر و پیروزی و شکست را از آن خدا می‌دانند و خضوع آنان در برابر اولیای الهی هرگز ناشی از اعتقاد به الوهیت آنان نیست، بلکه صرفاً از این نظر است که آنان را بندگان ممتاز خدا می‌شناسند و معتقدند که خداوند دعای آنان را می‌پذیرد.

غالباً در دعاها این عبارت را به کار می‌بریم: «بجاه محمد و آل محمد»، این جاه چیست؟ این «جاه»، همان منزلتی است که خداوند به پیامبر و

۳۲ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

خاندان وی داده و قرآن هم گروهی از انبیا را با این لقب ستوده است، چنانکه درباره موسی می فرماید:

وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا^۱

یا درباره مسیح می گوید:

وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۲

این وجاهت، فعل و تفضّل خداوند است که نتیجه آن منزلت و تقرّب نبیّ الهی است.

اشکال چهارم: توسّل، استعانت از غیر خداست

انسان متوسّل در شداید و سختی ها از غیر خدا استعانت می جوید و حال آنکه باید از خدا استعانت جست. چنانکه می فرماید:

۱. سوره احزاب، آیه ۶۹.

۲. آل عمران، آیه ۴۵.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۳۳

وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.

پاسخ: این اشکال از آن کسی است که از الفبای قرآن آگاه نباشد زیرا در منطق قرآن مجید یک فعل، در عین انتساب آن به خدا، به بنده خدا نیز نسبت داده می‌شود، مانند: قبض روح، نگارش اعمال و غیره.

این دو نسبت، با یکدیگر باهم منافات ندارند. زیرا نسبت دادن فعل به یکی (خداوند) استقلالی و به دیگری (غیرخدا) تبعی است.

خداوند، بدون اینکه از جا و مقامی کمک بگیرد فعل را انجام می‌دهد، درحالی‌که غیر خدا، در پرتو قدرت و نیروی خداوند آن کار را انجام می‌دهد و لذا کار او، نیز کار خداست.

۳۴ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

بنابراین استعانت از غیر خدا، به نحوی که از خدا استعانت طلب می شود ممنوع است. (نه هر نوع طلب کمک) بنابراین، مانعی ندارد درحالی که فقط باید از خدا استعانت جوییم، از غیر او نیز کمک طلبیم. چنانکه می فرماید:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ^۱

از شکیبایی و نماز یاری بجوید و به راستی این کار، گران است مگر بر فروتنان.

شگفت آور است که برخی از مخالفان، استعانت از افراد زنده را جایز، ولی از افراد غیرزنده را حرام، بلکه شرک می دانند! درحالی که اگر ماهیت یک عمل،

۱. سوره بقره، آیه ۴۵.

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۳۵

شرک‌آمیز باشد زنده‌بودن یا زنده نبودن طرف، نمی‌تواند در این جهت، مؤثر باشد. لذا باید گفت استعانت از غیر خدا، به شرط اینکه کمک‌رسانی او را نتیجه قدرت گسترده خدا بدانیم، شرک نیست، خواه طرف در قید حیات باشد یا نباشد.

در پایان سه نکته را متذکر می‌شویم:

۱. روایات توسل متواتر

روایات توسل در کتب اهل سنت که ما اندکی از آن را نقل کردیم، به اصطلاح علم حدیث، «متواتر» یا قریب به تواتر است. لذا نمی‌توان از طریق تضعیف سند آنها، به ردّ این روایات پرداخت. زیرا مجموع

۳۶ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

این روایات، حاکی از آن است که توسل به ارواح مقدسه و مقام و منزلت آنها در عصر رسالت و صدر اسلام، امر رایجی بوده است.

۲. کتابهای پیرامون توسل

مسأله توسل از مسائل مسلم اسلامی است و در این مورد، فقیهان و محدثان عالی مقام کتابهای بسیاری نوشته‌اند که تألیف پاره‌ای از آنها پیش از شبیه پرانی ابن تیمیه صورت گرفته است. ذیلاً به برخی از این کتابها اشاره می‌کنیم.

۱. الوفاء فی فضائل المصطفی، نگارش ابن

جوزی (متوفای ۵۹۷).

۲. مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الأنام،

نگارش محمد بن نعمان مالکی (متوفای ۹۷۳).

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۳۷

سمهودی در وفاء الوفاء، بخش توسل، از این کتاب، بسیار نقل کرده است.

۳. البیان و الاختصار نگارش ابن داود مالکی شاذلی. در این کتاب از توسل علما و صالحان به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) مطالبی نقل شده است.

۴. شفاء السقام نگارش تقی الدین سبکی (متوفای ۷۵۶). وی از توسل به پیامبر به شکل زیبایی دفاع کرده است.

۵. وفاء الوفاء الاخبار دارالمصطفی، نگارش سیدنورالدین سمهودی (متوفای ۹۱۱). در جزء چهارم این کتاب، بحثی درباره توسل انجام گرفته است.

۳۸ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیه)

۶. المواهب اللدنیة نگارش ابوالعباس قسطلانی
(متوفای ۹۳۲). در این کتاب پیرامون توسل بحث
کرده است.

۷. شرح المواهب اللدنیة، نگارش مصری
زرقانی مالکی (متوفای ۱۱۲۲). در جلد هشتم این
کتاب، ص ۳۱۷ به بعد، درباره توسل سخن گفته شده
است.

۸. صلح الاخوان، نگارش خالدی بغدادی
(متوفای ۱۲۹۹). وی علاوه بر این کتاب، رساله
ویژه‌ای در ردّ برآ لوسی نوشته که پس از درگذشت
او به سال ۱۳۰۶ چاپ شده است.

۹. کنز المطالب، نگارش عدوی حمزوی
(متوفای ۱۳۰۳).

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۳۹

۱۰. فرقان القرآن، نگارش محقق عالیقدر عزامی شافعی قضاعی به ضمیمه اسماء و صفات بیهقی در ۱۴۰ صفحه چاپ شده است.

نویسندگان آثار فوق، از دانشمندان اهل سنت‌اند. افزون بر این، دانشمندان شیعه نیز کتاب‌های متعددی پیرامون این موضوع نگاشته‌اند که برخی از آن‌ها را یادآور می‌شویم:

۱. سبیل الرشاد لمن أراد السداد نگارش شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفای ۱۲۲۷). این کتاب کراراً چاپ شده است. وی این کتاب را در ردّ نامه‌ای که عبدالعزیز بن سعود برای او فرستاده بود، نوشته است.

۴۰ / توسل از دیدگاه اهل تسنن (غیر وهابیها)

۲. کشف الارتیاب عن شبهات عبدالوهاب،
نگارش علامه بزرگوار سید محسن جبل عاملی
(۱۲۸۴ - ۱۳۷۳).

۳. الغدیر، نگارش علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰)،
که در جلد پنجم، بحث گسترده ای درباره توسل
انجام داده است.

۳. اختلاف میان پیروان ابن تیمیّه و دیگر فرق

اسلامی

کتاب هایی که اخیراً از سوی مخالفان توسل منتشر
می شود، رسم توسل به صالحان را، نوعی اختلاف
میان سنّی و شیعه! قلمداد می کند، در حالی که اختلاف
در مسأله ربطی به تسنن و تشیع ندارد، بلکه اختلافی
است میان وهابی ها و پیروان ابن تیمیّه با دیگر فرق

دوره یازدهم، شماره هشتم / ۴۱

اسلامی (اعم از شیعه و سنی). پیش‌ازاین و هم‌اکنون اسامی برخی از کتبی که محققین اهل سنت در ردّ ابن تیمیّه و پیرو او محمدبن عبدالوهاب نوشته‌اند از نظر شریف‌تان گذشت؛ و این امر، حاکی از این است که ریشه اختلاف، این دو نفرند و اگر از این دو نفر و پیروان آنها صرف‌نظر کنیم کلیه فرّق اسلامی در اصل توسّل (و دیگر مسایل که برخی از آنها گذشت و برخی دیگر خواهد آمد) وحدت نظر داشته و میان آنان اختلافی وجود ندارد.

پایان